

نقدی بر اصطلاحات دیوانی در دوره غزنوی

حسن انوری اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی - تهران ۲۵۳۵ - ۳۲۱ صفحه، قیمت؟

یکی از کارهای خوب تعریف اصطلاحات تاریخی است. این کار سبب خواهد شد که هر دانشجوئی بتواند با کمک بسیار کمتر استادان متون تاریخی را بخواند و دریابد. فراوان شدن این کارها نشان خواهد داد که مهارت و استادی در فهمیدن متن‌های کهنه نیست. استاد نباید و نمیتواند جای فرهنگ لغات و اصطلاحات را بگیرد. او باید روش‌دار را بداند و آن را بیاموزد. در این نکته باید تأملی کرد. اتفاقاً "اصطلاحات دیوانی ایران درست در دو دوره غزنوی و سلجوقی است که توسعه می‌یابد. پس از این دوره اصطلاحات مغولی و ترکی وارد میشود که باید آنها را هم کرد آورد.

نویسنده، فروتن کتاب در مقدمه خود به برخی از نقائص کتاب اشاره کرده است. ظاهراً "به هر کجا که روی محقق علاقمند این گونه مطالعات در احتیاج مبرم محیط مساعد و یاران موافق است. نویسنده آنقدر از این گروه محروم بوده است که تنها به ذکر یک تن آنان پرداخته است که او هم فقط گویا فرصت داشته است اغلاط چاپی را بگیرد. نویسنده خود میداند که کتاب حتماً باید به چاپ دوم برسد و از این جهت خواسته است که صاحب‌نظران او را یاری کنند تا کار خود را کاملتر کند. نگارنده نه بعنوان متخصص این کار بلکه بعنوان دسی که اصولاً باروش این گونه مطالعات موافق نیست، بهتر دیدم نظر خود را بنویسم، مخصوصاً از این جهت که نویسنده ظاهراً "الگوئی در مقابل چشم نداشته است تا باروشی که برای این گونه تالیفات معمول است آشنا شود.

بدیهی است نویسنده - مطابق روش پذیرفته شده در جهان - دوره مورد نظرش را معرفی کرده است. این معرفی صرفاً شامل محدوده زمانی است. سازمانهای اداری و اجتماعی زمان را به کمک کتب تخصصی تاریخ میتوان معرفی کرد و نویسنده

به هیچ کتاب تخصصی در این زمینه مراجعه نکرده است. (بجز یک مقاله آن هم در تکمله کتاب ص- ۲۷۹) به همین دلیل در مقدمه کوتاه خود تنها به برخی از موارد صریحی که در قسمتی از منابع موجود است اشاره کرده است. حال اثر چنین مطالعه جامع و با حوصله‌ای صورت می‌گرفت طرح کتاب به شکل زیر تغییر می‌یافت:

۱- مقدمه در بارهٔ تعریف دوره‌های غزنوی و سلجوقی

۲- سازمانهای اداری و اجتماعی دو دوره (بسیار خلاصه و در حد مقدمه)

۳- فرهنگ اصطلاحات (آن هم به شکل یک فرهنگ یعنی واژه نامه)

۴- ملاحظات (یا تکلمه و اضافات)

۵- فهرست عمومی (که در لزوم آن در یک فرهنگ تردید است)

با این طرح لازم نبود که کتاب به چند بخش تقسیم شود زیرا اصولاً برخی از اصطلاحات مشترک و یا عمومی است و بنا بر این در زمره اصطلاحات فقط یک دیوان یا دستگاه قرار نمی‌گیرد. با این کار معرفی دستگاهها و دیوانها به قسمت دوم مقدمه یعنی تعریف سازمانهای اداری و اجتماعی منتقل می‌شد. آنچه باقی می‌ماند واقعا "یک فرهنگ تخصصی بود."

تالیف فرهنگ اصطلاحات نیز باید کاملاً "با روش یک فرهنگ صورت گیرد مثلاً تا آنجاکه ممکن است حجم کمتری را بگیرد و مثالها حتی المقدور از آثار تاریخی تخصصی باشند از دیوان اشعار همه منابع با علامت معرفی شوند نه به نام (در کتاب لا اقل دو بیست بار نام و نشان تاریخ بیبهقی آمده است). در نتیجه در یک فرهنگ، گاهی چند سطر را نام مراجع گرفته است (صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱ مجموعاً ۱۲ سطر) بهترین کار این است که فهرست دقیقی از مراجع در اول یا آخر کتاب داده شود و برای هر مرجع یک شماره یا علامت تعیین شود. آنگاه بجای این که انسان نام مولف و کتاب و سال و محل چاپ را بنویسد مثلاً "مینویسد ۱۳۲/۱۲ یعنی صفحه ۱۲ مرجع شماره ۱۳۲ یا بیبهقی ۱۲ اگر این کار را در مورد تمام کتاب انجام دهیم در حدود یک سوم از حجم کتاب کاسته می‌شود. کوتاه کردن جملات راه دیگر خلاصه و سودمندتر کردن کتاب است مثال:

"مخاطبه در اصطلاح دبیران دیوان رسایل عنوانی است که مخاطب را بخصوص در

نامه‌ها با آن میخوانده‌اند که بجای آن میتوان نوشت: مخاطبه کردن، عنوان دادن. آنگاه لازم نیست که چند مثال طولانی آورده شود. یک مثال کوتاه کافی است مثل (. و مخاطبه الامیر الاجل الاخ فرمود) بجای شش سطر مثالی که در کتاب آمده است (ص ۱۸۲) مراجع کتاب عبارت است از اکثر (و نه همه) کتابهای فارسی و عربی دوره اسلامی که به زمینه دار نویسندگی مربوط بوده است و معدودی از کتب تخصصی (مثل مالکو و زارع لمبتون) به این ترتیب قسمت اعظم آثار تخصصی ارزنده‌ای که اکنون در دسترس است بی استفاده مانده است مثل دائرة المعارف اسلام^۱، تاریخ ایران کمبریج، تاریخ‌هایی که اخیراً ترجمه شده و ضمن بحث در سازمان اجتماعی و اداری یا مناسبات ارضی برخی از این اصطلاحات را هم معنی کرده‌اند. گذشته از این‌ها مقاله‌های فراوان از چند نسل ایران شناسان (از اواخر قرن نوزدهم تا حال) داریم که برخی از آنان به علت تسلط کامل به کار خود و به منابع (مثل اسپولر) اصطلاح‌ها را دقیقاً "دریافته‌اند و برابری جالبی پیشنهاد کرده‌اند. لازم است تلفظ اصطلاحات هم در همه جا داده شود. گذشته از این حق نیست که نویسندگی در مورد سن خود چیزی بگوید اما با بکار بردن زبانی با اصطلاحات مقالات ممتعی (ص ۲۷۹) ایضاً و تتمیم (در متن تمیم - ص ۲۷۸) لا اقل از من سی سالی فاصله می‌گیرند تا چهره‌سرد به جوانها که بد بختانه برای تحقیق و مطالعه مجال ندارند، مگر این که مسلم شود زبان محقق باید غیر از زبان مردم باشد. هر چه زبان ساده تر باشد دلیل تسلط بیشتر محقق است.

با وجود انتقادهای اساسی که بر روش کار نویسندگی وارد است نباید تلاش او را محکوم ساخت. در وضعی ده مطالعات عمیق و اساسی پشتیبانی جز همت و تربیت

۱- ظاهراً "نویسنده انگلیسی می‌داند زیرا در منابع پایان کتاب هم ترجمه فارسی و هم انگلیسی کتاب لمبتون را ذکر کرده‌اند (و اتفاقاً در این مورد ترجمه از اصل کاملتر است).

۲- مثل همان ترکستان نامه بارتولد که امروز دیگر کتاب کهنه‌ای است و تنها دو بار مورد استفاده قرار گرفته است.

نویسنده ندارد این گونه کارها را باید ارج نهاد و به احترام نگریست و آرزو کرد که نویسنده آن که خوشبختانه لامل به منابع ذهن آشنائی دارد - نیاز جوانان پویانده را بیشتر دریابد و دلگرم تر و کوتاه تر دعای ما را بدرقه راه خود گرداند .
 حتما تا کتاب دیگری در این زمینه تالیف نشده کار آقای انوری تنها مرجع جامع به زبان فارسی است .



پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی، مجموعه‌ای از مجلات و نشریات است که در زمینه‌های مختلف علوم انسانی، از جمله فلسفه، ادبیات، تاریخ، جامعه‌شناسی، حقوق، روانشناسی، و سایر رشته‌های مرتبط، مقالات علمی و پژوهشی را منتشر می‌کند. این پرتال به منظور تسهیل دسترسی محققان و دانشجویان به منابع معتبر و به‌روز در این حوزه‌ها ایجاد شده است. همچنین، این پرتال به عنوان یک مرجع معتبر برای پژوهشگران و محققان در زمینه‌های مختلف علوم انسانی شناخته می‌شود.